

# پیراهن سیاهان مسلمان در فلی پی چه میخواستند؟

در شماره قبل گفتیم که مسئله فیلیپین در سراسر دنیای اسلام مورد توجه عموم مسلمانان قرار گرفته و علاوه بر آن مطبوعات جهان هم این موضوع را با اهمیت خاصی تلقی کرده اند ...  
برای نشان دادن اهمیت مسئله مطالبی از جرائد انگلستان و آمریکا (ساردین و نیوزویک) نقل کردیم اینک در این شماره خلاصه ای از مقاله روزنامه فینگار و چاپ فرانسه را هم برای اطلاع خوانندگان عزیز میآوریم :

## ویتنام جدید :

یکی از خبرنگاران که بتازگی از فیلیپین بازگشته در باره جنگهایی که در جنوب فیلیپین بین مسلمانان و سر بازان ارتش «مارکوس» درگیر شده صحبت از یک ویتنام جدید میکند. خبرنگار دیگری که اهل بریتانیا است وضع فیلیپین را با وضع قبرس در اوایل سال ۱۹۶۰ و بالاخره خبرنگار سومی آنجا را با ایرلند مقایسه می کرد .

مکتب اسلام

یکی از خبرنگاران که از مراکز نیر و های مسلمان جزیره «مینداناو» و شهرنا بود شده «ویلدوست» بازدید کرده می نویسد:

«مسلمانان انقلابی کلیه پلها و جاده ها را چند روز قبل از ورود من به آن نواحی منفجر کرده بودند و سر بازان دولتی که در سایه کیسه های شن چرت میزدند و آگهی هائی مقابل چادرهایشان نصب کرده بودند بدین مضمون: «زنان پذیرفته میشوند اما نه»

بسیار خوبی داشتند. در امور سیاسی کشور با یکدیگر تشریک مساعی می‌کردند. شهرداران نمایندگان مجلس، فرمانداران و سایر متصدیان مقامات کشوری از بین هر دودسته انتخاب می‌شدند. هیچکدام از دودسته را بردگیری مزینی نبود و آنجایی توانستند بهمین ترتیب به اداره امور کشور ادامه دهند.

مسلمانان میخواستند در خانه خودشان یعنی در نواحی مسلمان نشین که هرایالت آن قبلا به وسیله يك و سلطان» اداره می‌شد؛ حاکم مطلق باشند ولی «مینداناو» جزیره‌ای ثروتمند و وسیع و کم جمعیت بود و بنابراین تعداد بیشتری می‌توانستند از ثروت سرشار و اراضی وسیع این جزیره بهره‌مند گردند! از اینرو از سال ۱۹۵۰ م سیل مهاجران مسیحی بسوی این جزیره سرازیر گردید. ابتدا در قسمت شرقی جزیره که غیر مسکونی بود سکونت گزیدند سپس کم کم به طرف شهرستان های غربی که مسلمان نشین بود کوچ کردند، برخورد و تصادم این دودسته اجتناب ناپذیر بود. مسلمانان کم کم اراضی خود را به تازه واردین در مقابل لقمه‌ای نان فروختند. در «مینداناو» مسلمانان از مفهوم عنوان مالکیت و مالک بی‌اطلاع بودند اما مسیحیان بر این مسئله وقوف کامل داشتند، بدین طریق بسیاری از اراضی بزرگ که گاه بادسیه و توطئه همراه بود با کمک مقامات دولتی بدست مسیحیان افتاد. پروفیسور «ماژول» استاد دانشگاه فیلیپین نوشته است:

«مسلمانان غافل بودند که يك تکه کاغذ بنام

برای جنگ بلکه برای رقص و آواز!» در محلات مرکزی شهر مسلمانان فقط تعدادی معدود در رفت و آمدند و اگر دستار و یا کلاه مخصوص اهالی اندونزی را بر سر نگذارند، بین آنان و هم‌نژادان کاتولیکشان نمیتوان فرق گذاشت. در شهر «کوئابا توستیتی» تعداد مسلمانان با کاتولیکها برابرند. نظم و نسق و آرامشی که بین این دو جامعه مذهبی وجود دارد بخاطر خاموشی اول شب است که شدیداً در این مورد سختگیری میشود ولی هیچکدام از طرفین از یکدیگر دلخوشی ندارد و جزئی‌ترین حادثه‌ای کافی است که در این شهر طوفان بپا کند. کینه و بنضی که دل‌های این دو دسته هموطن و هم نژاد را ملامت کرده است انسان را بی اختیار بیاد «ایراند» میاندازد. آنچه که باعث جدائی این دودسته شده یکی آئین و رسوم مذهبی است و دیگری وضع اقتصادی غیر قابل تحملی است که مسلمانان نسبت به کاتولیکها دارند.

جزیره بزرگ جنوبی مجمع‌الجزایر فیلیپین مسلمان نشین بود و این مجمع‌الجزایر تا ورود امریکائیان بسال ۱۹۰۲ م موفق شده بود استقلال کامل خود را حفظ کند. اسپانیایی‌ها تا مدت سه قرن هر چه کردند که بر این مجمع‌الجزایر و علی‌الخصوص بر جزایر «سولو» و «مینداناو» دست یا بندتوفیق حاصل نکردند. هر چه سر باز به این جزیره می‌فرستادند بدریاریخته میشدند تمام این نقاط در قلمرو سلطان مسلمان بود. ... سرانجام پس از هجوم امریکائیان رؤسای مسلمان مجبور شدند قیومت قدرت استعمار را جدید و بعدا بسال ۱۹۴۶ قیومت جمهوری مستقل فیلیپین را بپذیرند. در آغاز امر هر دو دسته با هم روابط

جنگ به مرحله امروزی رسید . طبق این قانون اتباع فیلیپینی حق حمل اسلحه ندارند و لذا به کلیه آنان اخطار شده که اسلحه خود را تسلیم دولت کنند و در صورت عدم اطاعت از این دستور مجازات مرگ در انتظارشان خواهد بود !

اولین اقدام برای جمع آوری اسلحه بوسیله ژاندارمری فیلیپین در ماه اکتبر آغاز گردید و منجر به شورش و قیام مسلحانه مسلمانان در «ماراوی» مرکز ایالت «لانائو دل سور» گردید .

روزیست و یکم اکتبر چهارصد جوان مسلمان که لباس اونیفورم بر تن داشتند و سراپا مسلح بودند به سربازخانه «کنستابولاری» حمله ور شدند ، مغازه های شهر را که متعلق به مسیحیان بود آتش زدند . در این زدو خورد هفتاد نفر کشته شدند .

«ماراوی» شهر کوچکی است که شصت هزار جمعیت دارد و تمام خانه ها و مغازه های آن از چوب ساخته شده و بر ساحل دریا چه «سلطان الوتو» قرار گرفته است امروزه مرکز این شهر مبدل به توده ای خاکستر و تیرها و دستکهای دودزده و تخته های نیم سوخته گردیده و قبل از حادثه ماه اکتبر ۷۵ درصد از اهالی این شهر مسلمان بودند و امروزه صد درصد مسیحی هستند زیرا کلیه مسلمانان به شهر مجاور فرار کرده اند و در شهر مجاور تعداد کلیساها با مساجد برابری میکند .

چهار ماه بعد از حمله «ماراوی» آتش جنگ در «کوتاباتو» زبانه کشید مسلمانان ابتدا شروع به قطع جاده ها کردند و دوروز قبل از مهلتی که برای

سند مالکیت قادر است آنان را از سرزمین های آباء و اجدادشان بیرون کند ،

باین ترتیب مناطقی مانند « کوتابوتو » که سابقاً مسلمان نشین بود ، مسیحی نشین گردید ، وقتی برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ فرمانداری شهر به عهده یک مسیحی واگذار گردید ، مسلمانان و مخصوصاً سیاستمداران شان دانستند که چه خطری در کمین آنها بوده و حالا خواه ناخواه بجان همدیگر خواهند افتاد .

### آغاز جنگ :

زمین داران مسیحی که به تازگی صاحب زمین شده بودند ، برای دفاع از حقوق باصطلاح مالکیت خود ! در قبال مسلمانان متحد شدند . از آنسو مسلمانان به تشکیل نیروی چریکی پرداختند که به آنان «پیراهن سیاهان» می گویند و بر حسب شهرستانهای مختلف ، اسامی مختلف مانند «کلاه سبزا» بروی خود نهاده اند و در سراسر کشور دسته های مسلح تشکیل دادند .

جنگ «مسلمانان و مسیحی ها» جزیره «میندا - ناو» را در یک جنگ واقعی داخلی فرو برد . نیروهای هر طرف در سال گذشته به دهها هزار نفر بالغ میشد و در حال حاضر این جنگ بصورت وخیمی در آمده و از یک زدو خورد محلی تجاوز کرده است و اینک ارتش و گروههای مسیحی در یکطرف و مسلمانان مسلح که سازمان مرتبی دارند در طرف دیگر قرار دارند . تا قبل از ۲۲ سپتامبر سال گذشته شدت و وخامت جنگ کمتر بود ولی وقتی «مارکوس» قانون ۲۲ سپتامبر را گذرانید ،

بما کردند . . . ؟ . . .

در جزایر «سولو» مسئله همزیستی دو جامعه مسیحی و مسلمان مطرح نیست در اینجا اسلام بر روح بیش از چهارصد و پنجاه هزار حکومت میکند که دوست و پنجاه هزار نفرشان در پایتخت مجمع الجزایر زندگی میکنند در سه کیلومتری مرکز شهر صحرای «تارتار» واقع است شورشیان تمام جزیره را در اختیار دارند و سربازان از یکماه پیش بنا بر تقاضای فرماندار جزیره و نماینده محل که هر دو مسلمانند دست از هر گونه عملیات نظامی کشیده اند اکنون مدتی است که «مارکوس» رئیس جمهور فیلیپین وعده صلح داده ولی هنوز نبرد بین شورشیان و سربازان و گروههای مسیحی در بسیاری از نواحی مجمع الجزایر ادامه دارد و معلوم نیست این وعده چقدر روزی جامه عمل بخود خواهد پوشید؟ (۱)

تحویل سلاحها داده شده بود نبرد را آغاز کردند . روز ۲۶ فوریه از روزهای خونین این ناحیه بود روز دوم مارس یک جوخه از سربازان دولتی توسط مسلمانان خلع سلاح شدند و شهر عملاً بدست شورشیان افتاد و مدت یکماه مسلمانان بر این شهر حکومت کردند . سرهنگ «آهورو» فرماندار نظامی «کوتاباتو» و فرمانده نیروهای مسلح این ناحیه گفته است :

پس از یکماه که شهر در دست مسلمانان بود ما به شهر حمله کردیم و از هشت هزار شورشی مسلمان بالغ بر هشتصد نفرشان را بقتل رساندیم و همچنین اطلاعات مهمی از وضع روحی رهبران شورشی بدست آوردیم واحدهای مدافع و مسیحیانی که دسته های متعدد تشکیل داده بودند نا ازاراضی خود ا دفاع کنند ، کمکهای ذیقیمتی

امام ششم حضرت صادق علیه السلام منشأ روانی تکبر و خودپسندی را عقده حقارت میدانند و میفرماید :

مَأْمِنٌ أَحَدٌ يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِثْلَهُ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ (۱)

یعنی : هیچکس گرفتار بیماری تکبر نمیشود مگر بواسطه پستی که در درون خویش احساس میکند .

کافی ، جلد ۳ .